

بررسی چگونگی تاریخ سازی نادر ابراهیمی در رمان *آتش بدون دود* براساس الگوی سه سطحی فرکلاف

افسانه میری^۱

دکتر محمدجواد مهدوی^۲

دکتر شهلا شریفی^۳

دکتر بهروز محمودی بختیاری^۴

چکیده

در پژوهش حاضر، سعی کرده‌ایم براساس نظریه «تحلیل گفتمان انتقادی» فرکلاف، از جانبداری‌های ایدئولوژیک نادر ابراهیمی و موضع‌گیری سیاسی او در قبال تاریخ سیاسی معاصر رمزگشایی کنیم. نادر ابراهیمی با توجه به تحولات تاریخی بین چاپ سه جلد اول (۱۳۵۹) و چهار جلد بعدی (۱۳۷۱)، یعنی دستگیری و انحلال گروه‌های مخالف در ایران و رنگ باختن شعارهای کمونیستی در سطح جهان، دست به تاریخ‌سازی در چهار جلد آخر رمان *آتش بدون دود* می‌زند و با ایجاد فضای گفتمانی جدیدی در داستان، به هدایت و کنترل افکار و باورها و ایدئولوژی غالب در میان مردم دست می‌زند. او چریک‌های چپ‌گرا و کمونیست تاریخ معاصر را شخصیت‌های قدرت‌مدار و قهرمان داستان قلمداد می‌کند و تمامی تحرکات سیاسی و جنگ‌های پارتیزانی دهه‌های چهل و پنجاه را با مرکزیت این گروه به نمایش می‌گذارد. او برای توجیه و القای این جانبداری، از ایجاد تضاد و تقابل معنایی و یا حذف عامدانه کنش‌های گروه‌های مخالف استفاده می‌کند. هم‌چنین با غیریت‌سازی گروه‌های سیاسی اسلام‌گرا و ملی‌گرا، گروه سیاسی مورد نظر خود را برجسته می‌سازد.

کلید واژه‌ها: تحلیل گفتمان انتقادی، نورمن فرکلاف، تاریخ‌سازی، *آتش بدون دود*، نادر ابراهیمی.

afsanehmiri2010@gmail.com

mahdavy@ferdowsi.um.ac.ir

sh-sharifi@ferdowsi.um.ac.ir

mbakhtiari@ut.ac.ir

۱. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فردوسی مشهد

۲. استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فردوسی مشهد (نویسنده مسئول)

۳. دانشیار گروه زبان‌شناسی دانشگاه فردوسی مشهد

۴. دانشیار گروه هنرهای نمایشی پردیس هنرهای زیبا دانشگاه تهران

۱. مقدمه

این پژوهش برطبق نظریه نورمن فرکلاف با عنوان «تحلیل گفتمان انتقادی» بر روی رمان *آتش بدون دود* نادر ابراهیمی صورت گرفته تا نه تنها اعتقادات فردی نویسنده، بلکه تأثیرپذیری این رمان از اوضاع اجتماعی، فرهنگی و سیاسی زمان خود نیز آشکار شود.

روش این پژوهش توصیفی و تحلیلی است و در آن داده‌های حاصل از خوانش متن رمان *آتش بدون دود* را همراه با اطلاعات تاریخی دهه‌های ۵۰ و ۶۰ بر اساس مدل سه سطحی فرکلاف طبقه‌بندی و نشانه‌های زبانی در کنش و گفتار شخصیت‌های رمان دسته‌بندی کرده‌ایم تا با تفسیر و تبیین آن‌ها به نوع ایدئولوژی نهفته در پس لایه‌های متن دست‌یابیم. در سطح اول (توصیف): به بررسی سطح واژگان، سطح دستوری (ساختار نحوی) و در نهایت سطح ساختار متن می‌پردازیم. در سطح بعدی (سطح تفسیر)، بافت موقعیتی، بافت بین‌متنی و تاریخی، پیش‌فرض‌ها و نوع گفتمان‌های درگیر ماجرا را بررسی می‌کنیم و در سطح آخر (سطح تبیین)، به پرسش‌هایی درباره عوامل اجتماعی و روابط قدرت اجتماعی که نویسنده در آن به سر می‌برد و رمان در آن شکل گرفته پاسخ می‌دهیم. هم‌چنین ایدئولوژی‌ها، نوع مبارزات، تأثیرپذیری و تاثیرگذاری نویسنده را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

۲. مسئله پژوهش

ابراهیمی که قبل از انقلاب و در نوجوانی عضو حزب توده بوده و تمایلات مارکسیستی داشته است، با تأثیرپذیری از مرام و باورهای گروه‌های مترقی چریک چپ‌گرا، در سال‌های اولیه انقلاب، ادامه رمان خود را در بستری تاریخی و سیاسی می‌نویسد.^۱ او به دلیل بسته بودن جو سیاسی دهه‌های اول انقلاب دیدگاه‌های خود را در قالب داستان و نوع کنش و گفتار شخصیت‌های داستانی طوری به نمایش می‌گذارد که از طرفی حساسیت گفتمان مذهبی برانگیخته نشود، و از طرف دیگر خواننده بتواند از طریق تحلیل بیان رمزی، چند وجهی و نمادگونه او، عقاید و نظراتش را دریابد. نویسنده با برجسته کردن حرکات سیاسی و چریکی گروه‌های چپ در تاریخ معاصر، باورهای سیاسی و اعتقادی خود را

۱. اگرچه این رمان در سال ۱۳۵۹ چاپ شده است ولی ایده اصلی داستان سال ۱۳۵۲ به صورت فیلم‌نامه نوشته شده و از روی آن یک سریال تلویزیونی ساخته می‌شود که در سال‌های ۵۳ و ۵۴ از رسانه ملی پخش می‌شود و به خاطر استقبال مردمی، نویسنده آن را به صورت رمان در آورده و به چاپ می‌رساند. این مورد در بخش تبیین به تفصیل پرداخته شده است.

در یکی از معروف ترین رمان های معاصر برای همیشه ثبت و ضبط کرده است. پژوهش حاضر در صدد است با استفاده از تحلیل گفتمان انتقادی نشان دهد که ابراهیمی برای برحق جلوه دادن دیدگاه ایدئولوژیک خود، در این رمان دست به تاریخ سازی زده است. هدف اصلی از این تاریخ سازی در درجه اول تأثیرگذاری بر افکار و باور نسل بعد، برای قبولاندن نقش اصلی و محوری گفتمان چریک های چپ گرا در آگاهی مردم و هدایت آنان در مقابله با حکومت غرب گرای پهلوی بوده است.

۳. پیشینه تحقیق

مقالاتی که متون داستانی معاصر را به غیر از رمان مورد بحث بنابر نظریه گفتمان انتقادی فرکلاف بررسی کرده اند، عبارتند از: قبادی و دیگران (۱۳۸۸)، قاسم زاده و گرجی (۱۳۹۰)، قبادی و آقاگل زاده (۱۳۹۰)، حدادی و دیگران (۱۳۹۱)، گرجی (۱۳۹۱)، بهبهانی و دیگران (۱۳۹۲)، جوادی یگانه و صحفی (۱۳۹۲)، احمدی و دیگران (۱۳۹۳)، قربانی (۱۳۹۴)، این مقالات اگر چه براساس این نظریه نوشته شده اند، در بخش تبیین و تفسیر بسیار ضعیف اند و حتی تعدادی از این آثار فقط در سطح توصیفی کار کرده اند و به کاوش در اتفاقات سیاسی و گفتمان های غالب زمان شکل گیری رمان نپرداخته اند و فقط به آمارگیری و دسته بندی واژگان سیاسی موجود در متن پرداخته اند. پژوهش هایی که با محوریت آتش بدون دود انجام شده اند عبارتند از: نوری و رضوانیان (۱۳۸۸)، علوی مقدم و پورشهرام (۱۳۹۰). هیچ یک از این پژوهش ها، مستقیماً از الگو و نظریه تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف بر روی این رمان استفاده نکرده اند. این مقالات بیشتر بر سه جلد اول رمان تمرکز کرده اند و توجهی به سیاسی و تاریخی شدن چهار جلد بعدی نداشته اند.

۴. تحلیل داده ها

فرکلاف رویکردی متن محور را انتخاب می کند و با استفاده از دستور نقش گرای مایکل هیلیدی به تحلیل زبانی متن می پردازد. البته او به تحلیلی میان رشته ای اعتقاد دارد که طی آن تحلیل متن همراه با تحلیل اجتماعی صورت پذیرد. او برای هر رخداد ارتباطی، سه بعد متنی، رفتار گفتمانی و رفتار اجتماعی قائل است.

بر این اساس، روش تحلیلی او در سه سطح انجام می‌گیرد: ۱- توصیف: تحلیل ساختاری زبان و خصوصیات صوری متن. ۲- تفسیر: بررسی و توضیح روابط موجود در بین فرایندهایی که باعث تولید و درک گفتمان مورد نظر می‌شوند (تحلیل گفتمان و ژانرهای که در تولید و مصرف متن مفصل‌بندی شده‌اند). ۳- تبیین: بررسی رابطه بین تعامل و بافت اجتماعی و توضیح رابطه بین عناصر گفتمانی و اجتماع، در حین توجه به پیشینه فرهنگی آن گفتمان (رفتار گفتمانی، نظم گفتمانی موجود را بازتولید و یا به عکس، ساختاربندی مجدد می‌کند) و پیامدهایی که این امر برای رفتارهای اجتماعی گسترده‌تر به همراه دارد (افخمی، ۱۳۹۳: ۹۴ و یورگنسن، ۱۳۹۲: ۱۲۳-۱۲۲).^۱

۴-۱- سطح توصیف

در این سطح به سؤالات فرکلاف با توجه به ویژگی‌های صوری یک متن، پاسخ داده می‌شود که به سه سطح واژگانی، نحوی و ساختاری دسته‌بندی^۲ می‌شود که بیشتر به گزینش واژگان، شخصیت‌ها و نوع رابطه آنان و جنبه‌های استعاری و نمادین متن توجه شده است.

داستان با تقابل دو شخصیت داستانی؛ گالان نماینده گروه نوجو و سنت شکن با یاشولی حسن نماینده گروه متحجر و سنتی شروع می‌شود. تضاد عناصر داستان، چون زنجیری پیوسته در تمام مؤلفه‌ها وجود دارد و تنها با درک این تقابل است که می‌توان شاخصه گفتمان مورد تأیید نویسنده را شناخت.

۴-۱-۱- واژگانی

نویسنده، اکثر شخصیت‌های منفی داستان را با اسم‌های مذهبی و شخصیت‌های مثبت و نواندیش را با نام‌های محلی دسته‌بندی می‌کند. «چونی، گالان، سولماز، آلنی، مارال، ملان، آرپاچی، یاشا و آلا...» نام‌هایی هستند درست‌کار، عدالت‌خواه، مردم دوست و البته خط مشی غیرمذهبی و یا ضدمذهب دارند. «شرف الدین، یاشولی حسن، یارمحمد نقشینه بند، دردی محمد، حاج آشور، عثمان تاج محمد، آنا مراد، عثمان خادم عثمان و حاج بردی ...» افرادی گناه‌کار و یا منفعل با گرایش‌های مذهبی و از

۱. برای شرح کامل این تقسیم‌بندی رجوع شود به ترجمه کتاب تحلیل انتقادی گفتمان نورمن فرکلاف صفحات ۱۶۷ تا ۲۵۳

۲. بخش ساختار متن این رمان در مقاله‌ای جداگانه در شماره ۵ (پیاپی ۴۷) مجله جستارهای زبانی بررسی شده و به چاپ رسیده است.

خانواده‌های سستی که بیشتر به فکر تسلط بر مردم و بهره‌مندی از مواهب دنیایی برای خودشان هستند. هر چند، همه شخصیت‌های داستان در این دسته‌بندی‌ها قرار نمی‌گیرند، ولی اکثریت نام‌ها و لاقول قهرمانان و ضدقهرمانان در این دو گروه قرار می‌گیرند. شخصیت‌های دارای نام‌های مذهبی، به ندرت، عملی اخلاقی و مردمی انجام می‌دهند. به طور مثال، درجایی که «آلنی» و «مارال» در حال احداث باشگاه‌های ورزشی برای جوانان در سراسر ایران هستند، شخصی به نام «منصور خدایاور» به اشاره شاه به تشکیل خانه‌های فساد می‌پردازد (ن.ک: ابراهیمی ۱۳۷۵، ج ۷: ۳۹).

موضع‌گیری نویسنده در برابر فاعلان اجتماعی، در بخش داستانی و تاریخی رمان نیز، قابل تأمل است. انتخاب واژگان در توصیف فاعلان گفتمان‌ها، بر بنیاد ایدئولوژی خاص نویسنده استوار است.

- شخصیت‌های مذهبی

شخصیت‌های مختلف قطب مذهبی، در گفت‌گوهای داستان و یا از زبان راوی وصف می‌شوند. جن، کم عقل، ضعیف، مریض، درمانده، همیشه بیمار، حقه‌باز، ناجوانمرد، ریاکار، دروغ‌گو، حيله‌گر، دودوزه باز، نماینده غیرممتخب، عقده‌ای، فاسد و کاسه‌لیس، تفرقه‌انداز، عقیم، بی‌عاطفه و بی‌شعور، صفات یاشولی‌ها و پیروانشان در سه جلد اول است: «یاشولی آیدین بیچه ندارد که درد تو را بفهمد. آیدین انسان نیست که درد دل انسان‌ها را بفهمد. آیدین مثل آن درخت است؛ بی‌روح، بی‌عاطفه، بی‌انصاف، بی‌شعور ...» (همان: ۲۸۲)

در جلد چهارم تا هفتم؛ ابلیس، دروغ‌گو، فحاش، مستبد، کم تحمل، بی‌اعتبار، نااهل، افسرده، همیشه عزادار، خاموش، ورد خوان و از دنیا بریده، تکه گوشت دعاخوان، باغی و تفنگ‌کش، ششلول‌بند، مسلمان متعصب تندرو، آشفته و عصبی صفاتی است که به ملأ نقشینه‌بند، ملا یاماق، یاشولی بلغای، نایب صفوی (نواب صفوی) و آرتا، پسر مذهبی آلنی نسبت داده می‌شود: «این فریادها و دشنام‌گویی‌های بی‌دلیل تو حالم را به هم می‌زند... اگر فحاشی بی‌دلیل از اصول دین توست من مایلم متدین به دین تو شوم تا بتوانم مردی مثل تو را که کوه بی‌حرمتی به انسان است، دشنام‌های رکیک بدهم» (همان، ج ۵: ۱۱۴).

- ملی گراها (غرب گرایان)

نویسنده با صفات غیرمردمی، خودنما، ارباب، مرفه و... ملی گراها را از قهرمانان داستانش جدا می کند. بیشتر تهاجم نویسنده به دکتر مصدق است تا ملی گراهایی چون پان ایرانیست ها (ن.ک: ابراهیمی، ۱۳۷۵، ج ۶: ۲۱۵-۱۴۸)

دکتر مصدق، مردی بزرگ بود از خیل بزرگان، نه مردی از میان مردم کوچه بازار و کنار خیابان؛ رعیت پرور بود، رعیت نبود. ارباب روستایی نواز دادخواه بود، روستایی دل سوخته گرسنه و امانده در کمرکش راه نبود. مرفه در پرتوی نور، پرورش یافته بود؛ کارگر بیمار پستوهای تاریک و کور نبود... ملی بود؛ اما مردمی نبود. منجی شرق، آرمان خواه بزرگ، بیدار کننده ملت های آسیا و آفریقا، سردار بود مصدق؛ اما مرد آن که بر سر کار، سر به دار بسپرد، نبود... مصدق، کبیر بود، عظیم بود، غول آسا بود، پیکره ای تاریخی بود، نیم رخ ای ابدی بود؛ اما ملت، در لحظه هایی، به خرده های بیابانی، به کوچک های جنگلی، به خار و خاشاک محتاج است... به گرسنه ای که گرسنگی بداند، تشنه ای که تشنگی، زخم خورده ای که دردمندی... (ابراهیمی، ۱۳۷۵، ج ۶: ۱۶۹-۱۶۸)

۴-۱-۲- سطح دستوری و روابط نحوی

در این قسمت، صورت های دستوری رمز گذاری شده اتفاقات یا روابط شخصیت های رمان با شرایط زمانی و مکانی تولید متن، بررسی می شود.

۴-۱-۲-۱- فرایندها و مشارکان مسلط

امکانات ایدئولوژیکی که ابراهیمی به اقتضای موقعیت و هدف آن ها را انتخاب کرده تا بتواند دانش و اعتقادات خود را به خواست خود بازنمایی کند، در سه مقوله «کنش»، «رخداد» و «توصیف» دسته بندی شده است. ابراهیمی، جملات کنشی و دارای کنش گر را برای وقایع چریکی چپ به کار می برد، در حالی که کنش های ملی گراها و اسلام گرایان را یا به کلی نادیده می گیرد یا کنش گر آن ها را عمداً مخفی می کند و یا آن حوادث را به چریک های چپ گرا نسبت می دهد.

الف. نهضت ملی کردن صنعت نفت (به منظور انکار ملی گراها)

اولین کنش برجسته در رمان را می توان اعتصاب کارگران شرکت نفت آبادان^۱ که به دنبال آن لایحه ملی شدن نفت در مجلس در ۲۹ اسفند ۱۳۲۹ تصویب شد، بیان کرد. نویسنده برای انکار ملی شدن صنعت نفت به دست مصدق و ملی گرایان در بین داستان، این حرکت سرنوشت ساز را به گروه های چپ نسبت می دهد: «در اواخر سال یک هزار و سیصد و بیست و نه... گردانندگان یک گروه کوچک جوان چپ غیروابسته که در آبادان و خرمشهر، کارگران نفت را به یک اعتصاب عمومی فرا می خواندند...» (همان، ج ۶: ۱۵۵-۱۵۴)

ب. مبارزات چریکی واقعه پانزدهم خرداد ۱۳۴۲ (به منظور انکار اسلام گرایان)

کنش بعدی نسبت دادن واقعه پانزدهم خرداد ۱۳۴۲ به گروه های چپ گرا است. البته نویسنده ادعا می کند این کار از قبل به دست گروه های چپ چریک و با یک عملیات منظم و سازماندهی شده انجام گرفته و زمینه ساز اصلی این تحرکات مانند کنش قبلی، گروه های چپ بوده اند که بعداً به نام گروه های مخالف چپ، مصادره شده است.

مارال، بار دیگر آن بسیج عمومی را درخواست کرد. تظاهرات پراکنده با گروه های کوچک، برنامه نویسی شد... طرح عملیات طوری بود که گروه های پنج نفری^۳ آتش را به پا می کردند و بلافاصله معرکه را ترک می کردند... هرروز صدها نفر به این ترتیب در تهران، اصفهان، شیراز و چندین شهر دیگر دستگیر می شدند. سه روز بعد از قیام پانزده خرداد سال چهل و دو مارال و آلنی بار دیگر دستگیر شدند.» (همان، ج ۷: ۹۸-۹۷)

پ. کنش های شاخص چریکی فدائیان در دهه پنجاه (به منظور برجسته کردن این گروه) در کنار انکار کنش های معروف سرنوشت ساز تاریخ معاصر به دست ملی گراها و اسلام گراها، نویسنده از ترفند دیگری نیز استفاده می کند و آن بسترسازی تمامی وقایع داستان با کنش های شاخص

۱. این قیام در یازدهم اردیبهشت ۱۳۲۵ و به تحریک شورای مرکزی اتحادیه های کارگران ایران تحت رهبری حزب توده آغاز شد. (آبراهامیان، ۱۳۷۷: ۳۷۴)

۲. قیام مردم در پانزده خرداد سال ۱۳۴۲ و تبعید آیت الله خمینی از ایران

۳. تز بیژن جزینی در سال ۱۳۴۲، سازماندهی افراد سازمان در گروه های ۳ تا ۵ نفری بود. (ن. گ: نجاتی، ۱۳۷۷: ۳۸۴)

فدائیان خلق در دهه پنجاه است به طوری که خواننده باور کند بیداری و انقلاب مردم در سال ۱۳۵۷ تنها با سازماندهی گروه‌های چپ در ایران صورت گرفته است.

- ترور فرسیو^۱ در ۱۳۵۵ به دست فدائیان خلق: فرسیو کسی است که گروهی از چریک‌های قیام سیاهکل را به اعدام محکوم کرده بود و با کشتن او، هم دوباره نام قیام سیاهکل دوباره در روزنامه‌ها و بین مردم برجسته می‌شود و هم قدرت و استمرار حرکت این گروه را نشان می‌دهد: «پاسبان دور زد و مستقیماً فرسیو را هدف قرار داد و تا تیر آخرش را به او شلیک کرد... - همسران به جرم خیانت به ملت و کشتن مبارزان مؤمن، از طرف چندین سازمان انقلابی، به اعدام محکوم شد...» (همان، ج ۷: ۲۶۷)

- سرقت از بانک‌ها به عنوان تز فدائیان خلق^۲: نویسنده هنگام حمله مارال و یک گروه مسلح به بانک چیزی در مورد اعضای این گروه نمی‌گوید ولی به صورت غیرمستقیم به جریان چریک‌های فدائی خلق در سرقت بانک‌ها اشاره می‌کند: «...حسابدار گفت: به هر حال، هر چه باشد، چریک که نیست رییس! مارال بانو گفت: طوری کار کن که سوء ظن کسی را برنینگیزی پسر، کسی به تو بابت خیانت به مبارزان راه آزادی، نشان لیاقت نمی‌دهد» (همان: ۴۰۱-۴۰۰)

- آموزش فدائیان به شیوه چریکی آمریکای لاتین (شیوه چه‌گوارا و فیدل کاسترو)
«- اولاً که من هفت سال در آمریکای لاتین فقط درس نخواندم، رسم مبارزه آموختم. ثانیاً آن وقت که رفتم، وقت سفر بود. حالا وقت جنگ است... مگر دستورالعمل خود تو [آلنی] نیست که جوان‌ها راه و رسم تیراندازی و کوه‌نوردی را یاد بگیرند؟ - بله... مارال... مارال بانو^۳ بیش از من اعتقاد بر این امر دارد. اعلامیه مال اوست» (همان: ۵۱)

در برابر برجسته کردن این کنش‌ها، ترورهای انقلابی و چریکی که در همین دوران به دست نیروهای اسلامی صورت می‌گیرد، بدون ذکر کنش‌گر و فاعل بیان می‌کند و حتی نام شخص ترور شده را تا حد مورخی صاحب نام^۴ تنزل می‌دهد تا این واقعه فقط به عنوان یک رخداد بیان شود نه کنش^۵: «در آخرین روزهای سال بیست و چهار، مورخی صاحب‌نام - که به عناد با اسلام شهره بود- در کاخ

۱. فرسیو مجری اعدام مبارزان سیاهکل در سال ۱۳۴۷ بود.

۲. برای اطلاعات بیشتر ن. ک: اشرف، ۱۳۵۷: ۱۷.

۳. مارال بعد از کشته شدن آلنی، به بانک حمله می‌کند و در این عملیات چریکی کشته می‌شود.

۴. این مورخ صاحب نام احمد کسروی است که ترور او از سوی مذهب‌یون هم محکوم می‌شود.

۵. این رخداد و نسبت دادن آن به اسلام‌گرایان نیز با هدف نقد آن در صفحات بعدی رمان انجام می‌گیرد.

خود هم هست و این موقعیت‌ها در شکل‌گیری حوادث آن مؤثرند. در این بخش، برای رسیدن به دانش زمینه‌ای نویسنده و گفتمان‌های حاکم بر شکل‌گیری جریانات داخل و خارج داستان، ابعادی مانند موضوع، بافت موقعیتی و نوع گفتمان مطرح می‌شود. در این مرحله، برای رسیدن به محتوا، فاعلان و روابط بین آنان و پیوندها، به چهار سؤال مطرح شده می‌پردازیم. ۱. ماجرا چیست؟ (محتوا) ۲. چه کسانی درگیر ماجرا هستند؟ (فاعلان) ۳. روابط میان آنان چیست؟ (روابط) ۴. نقش زبان در پیشبرد ماجرا چیست؟ (پیوندها) (همان: ۲۲۳-۲۲۲).

۴-۲-۱- بافت موقعیتی

به‌علت نوع نگارش و زمان‌های متفاوت نگارش سه جلد اول و چهار جلد بعدی رمان، نمی‌توان تمامی هفت جلد را یکسان بررسی و تفسیر کرد. *آتش بدون دود*، در دو دوره متفاوت نگارش یافته و نه تنها باورهای ذهنی نویسنده در این دو دوره بلکه محیط اجتماعی و فرهنگی زمان شکل‌گیری دو قسمت رمان نیز متفاوت است. همچنین ماجراهای جلد چهارم به بعد، با ماجراهای واقعی تاریخ معاصر ایران گره می‌خورد.

۴-۲-۱-۱- بافت موقعیتی در سه جلد اول

ماجرا از زندگی و مرگ گالان اوجا به عنوان فردی سنت‌شکن آغاز می‌شود و با مبارزات آلی، نوه گالان بر ضد خرافات و جهل ادامه می‌یابد و در نهایت به پیروزی او به عنوان نماینده قطب ترقی خواه و ضد خرافات می‌انجامد.

سه شخصیت اصلی این داستان گالان، آق اوایلر و آلی هستند. الف. گالان اوجا: شخصیتی پهلوان و قدرتمند در مقابله با دشمنان قبیله، تمام اتکایش به قدرت بدنی است. این شخصیت قوی و مقتدر، در یک درگیری قبیله‌ای در انتهای جلد اول کشته می‌شود و قدرت جسمانی او نیز با مرگش تباه و نابود می‌شود. ب. آق اوایلر: او فرزند بزرگ گالان اوجا است. به صورت موروثی آق اوایلر قبیله می‌شود. او همچون پدرش، سنت‌شکن و ضد خرافات است. هنگام شیوع بیماری بین کودکان، علی‌رغم مخالفت پیران و مذهبیون، فرزندش را به شهر می‌فرستد تا با علم طب جدید آشنا شود و مردمش را از سختی و غذایی که به آن گرفتار شده‌اند برهاند. مردم به تحریک ملای ده - ملا آیدین - از او فاصله می‌گیرند تا چادر سفید را ترک کند. او در واقع، زودتر از گالان می‌میرد، زیرا مردم او را درحالی که

هنوز راه می‌رود و نفس می‌کشد، نادیده می‌گیرند و با او هم‌کلام نمی‌شوند. پ. آلتی: آلتی از نظر قدرت جسمانی چیزی از گالان کم نمی‌آورد. درگیری‌های او در جلوی دانشگاه تهران در سال ۱۳۲۱ این را ثابت می‌کند. او حتی نسبت به آق‌اویلر هم موقعیت اجتماعی برتری دارد، زیرا بعد از تلاش برای بالا بردن سطح آگاهی مردم، از سوی آنان به عنوان آق‌اویلر اینچه برون انتخاب می‌شود. اما قدرت اصلی آلتی، قدرت تفکر و تحلیل است. او با استدلال و برهان روشن، قدرت تشخیص مردم را بالا می‌برد. داشتن پایگاه مردمی و هژمونی شدن اعتقاداتش در طول داستان بزرگترین قدرت اوست.

روابط فرهنگی میان سنت‌گرایان و ترقی‌خواهان: دو گروه مذهبی و سنت‌شکن در جلد اول در کنار هم قرار می‌گیرند تا بتوانند هرکدام به وسیله قدرت گروه مقابل خود به آرزوها و آرمان‌های خود دست یابند. سود اقتصادی از نذورات برای درخت مقدس در اینچه برون عامل نزدیکی سنت‌گرایان و مذهبیون به گروه سنت‌شکن و ترقی‌خواه می‌شود. در دو جلد بعدی گروه‌ها با رسیدن به قدرت نسبی و هژمونی کردن احکام دینی و اجتماعی خود، برای رسیدن به قدرت مطلقه در مقابل هم قرار می‌گیرند.

زبان توصیفی در سه جلد اول رمان، بر زبان توضیحی غلبه دارد. داستان در بافت روستایی و در بین مردم کوچ‌نشین جریان دارد و نویسنده سعی می‌کند از زبان ساده مردم این منطقه وقایع داستان را بیان کند. البته چون زبان مردم ترکمن در متن قابل استفاده نیست، نمی‌توان مانند گویش و لهجه‌های محلی روی آن مانور داد. به این جهت، داستان زبان ترجمه‌گونه به خود می‌گیرد. تنها صراحت لهجه در بین شخصیت‌ها، بومی و بی‌تکلف بودن آنان را منعکس می‌کند. استفاده از وجه پرسش‌ی در گفت‌گوهای شخصیت‌ها، خواننده را به سوی تفکر و ایدئولوژی پنهان در داستان سوق می‌دهد. «کم درد کشیدیم از این قبول شرایط به کمک توکل؟ مادر، چند هزار سال است که انسان ساده‌دل در پناه ایمان مذهبی‌اش ستم‌ستمرگان را تحمل کرده‌است و دم نرده؟ کافی نیست؟» (همان، ج: ۵: ۵۹)

۴-۲-۱-۲- بافت موقعیتی در چهار جلد آخر

ماجرا از ۱۳۲۰ شروع و در ۱۳۵۵ تمام می‌شود؛ یعنی از زمان قدرت گرفتن حزب توده به عنوان بزرگ‌ترین گروه سیاسی چپ تا زمان کشته شدن سران فداییان خلق که بیشترین حرکات چریکی نزدیک به پیروزی انقلاب را در میان گروه‌های چپ داشتند. در انتهای داستان، نویسنده ادعا می‌کند قهرمان داستان در خانه کشته می‌شود و در چند صفحه بعد می‌گوید نامه‌ای از او بعد مرگش به مارال

می‌رسد. همین امر فرض داستان‌سازی از واقعه کشته شدن سران چریک‌های فدایی در اوایل تیر ماه سال ۱۳۵۵ در یک خانه تیمی را تقویت می‌کند (ن.ک: نادری، ۱۳۸۶، ج ۱: ۶۵۰) که حمید اشرف هم یکی از افراد کشته شده است (ن.ک: ابراهیمی، ۱۳۷۵، ج ۷: ۳۸۶)

وقایع داستان از جلد چهارم به بعد، کم‌کم رنگ تاریخی به خود می‌گیرند. نویسنده وقایع تاریخی را تا حدودی با گزینش‌های شخصی، وارد داستان می‌کند تا بتواند حوادث تاریخ سیاسی معاصر را به نفع ایدئولوژی مخفی ماجراهای داستان مصادره کند.

۴-۲-۲- موقعیت‌های تاریخی

در تاریخ مبارزات مردمی معاصر، سه جریان اسلامی، ملی و چپ، نقش دارند. نویسنده با مطرح کردن هر سه، به تجزیه و تحلیل تاثیرگذاری هر جریان در رهبری مردم می‌پردازد. او در گام نخست، بسیاری از جریان‌های ملی و مذهبی را حذف می‌کند و سپس با برجسته کردن ترورها و قیام‌های کمونیست‌ها و همین‌طور، با نسبت دادن وقایع مهم سیاسی تاریخ معاصر به نیروهای چپ مبارز، به جریان‌سازی جدیدی در داستانش دست می‌زند.

الف. شورش آمان جان آبابی معلمی کمونیست که در کوه‌ها دور از دسترس حکومت زندگی می‌کرد. احمد شاملو نیز هنگام مخفی شدن در گنبد در سال ۱۳۳۲، شعری با عنوان «از زخم قلب آبابی» برایش سروده است (شاملو، ۱۳۶۳: ۱۳۷ و پورنامداریان، ۱۳۷۴: ۲۸۸).

ب. قیام افسران توده‌ای پادگان خراسان: سرهنگ عبدالرضا آذر به اتفاق سرگرد علی اکبر اسکندانی که هر دو عضو سازمان بودند، به همراه عده‌ای دیگر از افسران، چون سرهنگ نوایی تصمیم به قیام مسلحانه علیه رژیم می‌گیرند تا در شمال ایران، پایگاهی درست کنند. این گروه در ۲۷ مرداد ماه ۱۳۲۴ به گنبد می‌رسند که مسئول کمیته ایالتی حزب توده اطلاع می‌دهد حزب و همین‌طور ارتش سرخ مخالف این قیامند. آن‌ها در ۲۹ مرداد در نزدیکی شهربانی گنبد شناسایی شده و عده زیادی کشته می‌شوند و قیام شکست می‌خورد (ن.ک: تفرشیان، ۱۳۶۷: ۷۴-۶۹ و شقایب، ۱۳۶۵: ۸۲-۷۹).

نویسنده مستقیماً از این قیام سخن نمی‌گوید ولی تهیه اسلحه شورشیان گیلان مثل آمان جان آبابی را به این گروه ربط می‌دهد.^۱ ابراهیمی، علاوه بر این که دو قیام معاصر را در رمانش، به چریک‌های چپ

۱. ابراهیمی در صفحه ۱۰۹ جلد ششم در مورد این قیام توضیحاتی می‌دهد.

نسبت داده و به‌عنوان شورشی جنگلی برجسته می‌کند، ارتباط این قیام‌ها را با شوروی و حزب توده انکار می‌کند: «- امری هست آمان جان؟ - ... برای تو هر قدر که بخواهی، آن بالا اسلحه هست. هر جور که بخواهی - از روس‌ها گرفته‌اید؟ - ابدأً از پادگان مشهد سرقت کرده‌ایم. ملاً من هرگز از روس‌ها اسلحه نخریده‌ام و نمی‌خرم...» (ابراهیمی، ۱۳۷۵، ج: ۵: ۱۳۷)

پ. اعدام بشارتی که شخصیتی نظامی است: او در داستان همسر کبتر است و دختری به نام سولماز دارد که شعر «مرا ببوس» را برای او خوانده است (همان، ج: ۶: ۱۱۸ و ۱۷۸). بشارتی داستان، همان سرهنگ محمد علی مبشری^۱ از اعضای افسران حزب توده است که در سال ۱۳۳۳ همراه با خسرو روزبه^۲ و عزت الله سیامک اعدام می‌شود و شایع است که شعر مرا ببوس را او برای سیامک سروده است (خطیبی، ۱۳۷۳: ۷۷).

ت. اولین تیراندازی به شاه: در پانزدهم بهمن ۱۳۲۷، فخرآرایی به شاه تیراندازی می‌کند و همان‌جا به دست نیروهای دولتی کشته می‌شود. از جیب او علاوه بر کارت خبرنگاری روزنامه پرچم اسلام، دفترچه‌ای نیز پیدا می‌شود که نشان وابستگی او به حزب توده است^۳ که بعداً سران حزب نیز آن را تأیید می‌کنند (نهادندی، ۲۰۰۹: ۲۲۴). شاه حزب توده را مقصر می‌داند و آن را غیرقانونی و منحل اعلام می‌کند (خسروپناه، ۱۳۷۷: ۱۳) ولی نویسنده حزب توده را بخشی از دولت و حکومت دانسته و ادعا می‌کند که در این نقشه دست داشته‌اند(ن.ک: ابراهیمی، ۱۳۷۵، ج: ۶: ۱۳۸).

ث. ترور شاه در کاخ مرمر: رضا شمس‌آبادی به تحریک گروه مائوئیستی پرویز نیک‌خواه در ۲۱ فروردین ۱۳۴۴ دست به ترور شاه می‌زند که ناکام می‌ماند. نویسنده نیک‌خواه و منصور^۴ را از شرکت در قتل شاه تبرئه می‌کند و آنها را تئوریسین گروه می‌داند.

۱. او کسی است که توطئه کودتای ۲۵ مرداد ۱۳۳۲ را به مصدق خبر می‌دهد و کودتا شکست می‌خورد.

۲. شعر «خطابه تدفین» را احمد شاملو در تجلیل روزبه و دوستانش سرود.

۳. ن.ک: طبری، ۱۳۶۶: ۸۵-۸۴

۴. برادر همسر ابراهیمی، احمد منصور^۴ که در گروه کنفدراسیون عضو بود و به جرم شرکت در ترور شاه دستگیر شد.

گروه آقایان مهندس منصوری- نیکخواه، ابداً گروه تندروئی نبود؛ بلکه یک گروه خیالپرداز بود. تنها تندروی منتسب به این گروه، آقای شمس آبادی بود که هیچ رابطه‌ای با این گروه نداشت. تصادف محض این‌ها را به هم جفت کرد. من مطمئن هستم اگر گروه منصوری- نیکخواه - پورکاشانی به وجود نمی‌آمد هم، شمس آبادی آن قدم سرشار از خشم و نفرت را برمی‌داشت (ابراهیمی، ۱۳۷۵، ج ۷: ۲۴۸-۲۴۹).

ج. قیام سیاهکل و قتل فرسیو: در سال ۱۳۴۹ گروه بیژن (جنگل)، تصمیم می‌گیرند قیامشان را از درون جنگل آغاز کنند. آن‌ها معتقد بودند که با خلع سلاح یک پادگان می‌توانند حمله‌ها و ترورهای شهری را هم پشتیبانی کنند ولی در همان چند ماه اول، تشکیلاتشان شناسایی و متلاشی می‌شود (مهدی زاده، ۱۳۸۷: ۴۴). پنج نفر باقیمانده این گروه، بعد از لو رفتن و دستگیر شدن دوستانشان، تصمیم به انتقام گرفته و در فروردین ۱۳۵۰ دست به ترور فرسیو، دادستان اداره دادرسی ارتش می‌زنند (ن.ک: نجاتی، ۱۳۷۷: ۳۸۹-۳۸۷). نادر ابراهیمی این ترور را به نزدیکان آلنی نسبت می‌دهد که در عکس‌العمل به زندانی شدن آلنی و بعد از فراری دادن او، دست به این ترور می‌زنند (ابراهیمی، ۱۳۷۵، ج ۷: ۲۲۶-۲۲۵). نویسنده از صفحه ۲۱۷ تا ۲۲۵ جلد آخر به شرح فرار آلنی از روی پشت بام‌ها می‌پردازد که اشاره به لو رفتن خانه تیمی دارد که طی این ماجرا شخصی به نام حمید اشرف، به همین شیوه موفق به فرار از دست ساواک می‌شود (نادری، ۱۳۸۶: ۶۵۰-۶۴۷)!

در کنار این گروه‌های چپ کمونیست، گروهی از اسلام‌گرایان هم وارد داستان می‌شوند و در کنار گروه‌های چپ و تحت رهبری آن‌ها دست به قیام مسلحانه می‌زنند.

الف. مریم عدل و فرهاد جهانبانی: مریم عدل، همان کاترین عدل، دختر پروفیسور یحیی عدل است. او و همسرش بهمن حجت کاشانی، که قبلاً افسر نیروی هوایی بوده، زندگی اشرافی خود را رها کرده و در خرم‌دره، دست به تشکیل یک گروه کوچک اسلامی می‌زنند تا با رژیم پهلوی مبارزه کنند. یکی از اعضای این گروه پاتریک پهلوی (علی اسلامی)، برادرزاده محمدرضا پهلوی و فرزند علی‌رضا پهلوی است. آن‌ها تصمیم می‌گیرند به کوهستان بروند و دست به عملیات پارتیزانی و چریکی بزنند (حسینی، ۱۳۸۳: ۱۲۸-۱۲۱). نیروهای دولتی به غار حمله می‌کنند و کاترین را

۱. در گزارش کلانتری قلحک که در این کتاب آمده این جنگ و گریز شرح داده شده است.

می‌کشند و بهمن را هم در تهران دستگیر می‌کنند و پس از مدتی به قتل می‌رسانند (کامور، ۱۳۸۵: ۲۱۲-۲۰۲). فرهاد جهانبانی که نویسنده او را کنار این زوج در داستان می‌نشانند، (ن.ک: ابراهیمی، ۱۳۷۱، ج: ۶: ۲۳۳) احتمالاً خسرو جهانبانی داماد شاه باشد که مدتی با بهمن هم‌سلول بوده‌است (گروه پژوهش، ۱۳۸۴: ۱۰۹) گویی نویسنده او را با پاتریک اشتباه گرفته است.

ب. نایب صوفی: نواب صفوی، رهبر فدائیان اسلام است که پس از سوء قصد یکی از اعضای گروه به حسین علا، دستگیر و در ۲۷ دی ماه ۱۳۳۴ اعدام شد (تهامی، ۱۳۸۳: ۲۳-۲۲). نویسنده، نام او را به نایب صوفی تغییر می‌دهد و اسم گروه را نیز «نهضت مسلمانان مبارز» می‌گذارد و حتی به جای نام احمد کسروی، که به دست فدائیان اسلام ترور می‌شود، عنوان «مورخی صاحب‌نام» را انتخاب می‌کند (ن.ک: ابراهیمی، ۱۳۷۵، ج: ۵: ۲۷۳).

پ. قتل حسنعلی منصور: نویسنده فقط در بازجویی از آلتی از زبان بازجو در مورد قتل حسنعلی منصور می‌پرسد و او پاسخ می‌دهد که «گروه نایب صوفی، گهگاه از من اسلحه دریافت می‌کردند...» (همان، ج: ۷: ۲۴۹). حسنعلی منصور^۱ به دست محمد بخارایی از اعضای مؤتلفه اسلامی از نزدیکان نواب صفوی در اول بهمن ۱۳۴۳ به قتل رسید.

گروه بعدی همان ملی‌گراها و شخصیت‌های پان‌ایرانیست هستند. ابراهیمی، مصدق را با لقب «محافظه‌کار کم‌دوام» وصف می‌کند (همان: ۱۷۱-۱۶۷) و تمام ماجرای کودتای ۲۸ مرداد را در جمله «مرغ از قفس پرید» خلاصه می‌کند (همان: ۱۹۳). ابراهیمی بعد از هجو گروه پان‌ایرانیست‌ها، چند نفر را از این گروه نام می‌برد که یکی از آن‌ها شخصی به نام مسعود افشار تیغ‌کش است. او همان محمود افشار یزدی، مؤسس فرقه پان‌ایرانیست‌ها و کسی است که اولین بار، این نام را در سال ۱۳۰۶ در مقابل پان‌عربیسم و پان‌ترکیسم به کار برد (شاهدی، ۱۳۹۰: ۱۰). مهم‌ترین اولویت این گروه از همان ابتدا مقابله با حزب توده بود که در شهریور ۲۰ با توده‌ای‌ها وارد زد و خورد خیابانی شدند (همان: ۲۹-۳۱ و ۵۳).

۱. این گروه نخست‌وزیر وقت را عامل اصلی پذیرش کاپیتولاسیون و تبعید آیت الله خمینی می‌دانستند (شمس آبادی، ۱۳۸۹: ۳۹۶).

۴-۲-۳- بافت بینامتنی و فرامتنی (بیناگفتمانی)

گفتمان اصلی و تأثیر گذار بر داستان، گفتمان چریکی امریکای لاتین است که تمامی حرکت‌های چریکی و پارتیزانی نیروهای چپ در تاریخ معاصر از آن الگو می‌گیرد. مهم‌ترین نمودهای متأثر از این ایدئولوژی، حرکت افسران توده‌ای پادگان خراسان در ۱۳۳۴ به سوی جنگل‌های گلستان و قیام جنگل (سیاهکل) فدائیان خلق در ۱۳۴۹ است.

ابراهیمی که تا سال ۱۳۶۰ برای حزب توده رمان می‌نویسد، با دستگیری یا تسلیم سران این حزب در سال‌های ۱۳۶۲ تا ۱۳۶۸ و از هم گسیختن شیرازه رهبری این حزب، اعتقادش را به حزب از دست می‌دهد و تصمیم می‌گیرد شخصیت‌های داستانش را به حزب چپ‌گرای دیگری نسبت دهد که مانند حزب توده اتهام همکاری با حکومت پهلوی و جمهوری اسلامی را در پرونده ندارد و در تاریخ معاصر، حرکت‌های انقلابی ماندگاری دارد. او تحت تأثیر شخصیت‌هایی چون احمدزاده، جزنی و اشرف، دو جلد آخر را می‌نویسد. بیشترین حوادث داستان این دو جلد، شکل‌گیری و مبارزه فدائیان خلق را در بردارد.

نویسنده با گفتمان مذهبی حاکم در دهه ۶۰ و ۷۰ کنار می‌آید و برای بقای خود و آثارش، آلتی عارفی را خلق می‌کند که نمادی از خودش باشد. اما آلتی حتی از خالق خود نیز عبور می‌کند و در دو جلد آخر رمان، مبلغ آرمانی می‌شود که از اصول گفتمان چپ چه‌گوآرا الگو گرفته است. آلتی که مخالف حرکت‌های آنارشیستی است، با تغییر مسیر، نه تنها خود اسلحه برمی‌دارد و دست به ترور مخالفان می‌زند، بلکه برای جوانان اسلحه تهیه می‌کند و آنان را تشویق به قیام می‌کند. او گفتمانی را می‌سازد که می‌توان آن را «گفتمان چپ تأثیرگذار در تحركات مردمی و انقلابی» در این دو دهه نامید.

۴-۳- سطح تبیین

ابراهیمی، رمان سه جلدی آتش بدون دود را به سفارش یکی از دوستان توده‌ای خود، بعد از پیروزی انقلاب می‌نویسد (ابراهیمی، ۱۳۷۲: ۲۱۷). این سه جلد در ۱۳۵۹ به چاپ می‌رسد. چهار جلد بعدی، در ۱۳۷۱ منتشر می‌شود. او در آخر جلد هفتم، ادعا می‌کند که سه جلد اول را قبل از انقلاب و در سال ۱۳۵۲ با نام درخت مقدس^۱ چاپ کرده است (ابراهیمی، ۱۳۷۵، ج ۷: ۴۰۶) ولی همسر او در

۱. در کتابخانه ملی چنین کتابی ثبت نشده است.

مصاحبه‌ای می‌گوید این اثر قبل از این که به صورت کتاب منتشر شود، به صورت مجموعه تلویزیونی به نمایش در آمده است (رجایی، ۱۳۹۲: ۱۵۰). بنابر چنین ادعایی و زمان ساخت و پخش سریال (۱۳۵۴)، این رمان، نمی‌توانسته در سال ۱۳۵۲ چاپ شده باشد. این که چه عوامل اجتماعی و ایدئولوژیکی در شکل‌گیری دوره اول و دوم این رمان نقش داشته است، زمینه اصلی بحث در این بخش است.

۴-۳-۱- عوامل اجتماعی: روابط قدرت موجود در شکل‌گیری گفتمان‌های رمان

الف. زمان انتشار دوره اول رمان: حتی اگر سه جلد اول این رمان بعد از انقلاب نوشته شده باشد، بستر اصلی وقایع و شخصیت‌های داستان از فیلم‌نامه *آتش بدون دود* که در سال ۱۳۵۴ نمایش داده شد، اقتباس شده است. تاریخ حوادث دوره اول رمان، از زمان قاجار تا زمان «انقلاب سپید» است. مردمی که در جنگ و گریزهای خود از دو سوی حکومت مرکزی و تزار روس کشته می‌شدند، در داخل روستای خود نیز از سوی روستاهای اطراف تهدید می‌شوند و همین‌طور اربابان هم از آنان بیگاری می‌کشند. اصل اول از اصول شش‌گانه انقلاب سپید، شعار شخصیت اول داستان، یعنی الغای قانون ارباب رعیتی است (ابراهیمی، ۱۳۷۵، ج ۱: ۱۷۵-۱۷۰). او بعد از مرگ پدرش، زمین‌ها را بین رعیت تقسیم می‌کند.

ب. زمان انتشار دوره دوم رمان: نگارش ادامه رمان در سال ۱۳۶۱ شروع و تا ۱۳۷۱ ادامه دارد. اگر چه در سال‌های ۱۳۶۰ تا ۶۲ زمان اوج قدرت حزب توده به خاطر هم‌سویی با انقلاب - باهدف کنار زدن جبهه ملی - است، ولی از اردیبهشت سال ۱۳۶۲ که دادستانی کل انقلاب اسلامی به صورت قانونی این حزب را منحل (بی‌نام، ۱۳۶۲: ۲) و عده‌ای از سران حزب را محاکمه و اعدام می‌کند، تا اواخر این دهه، زمان فروپاشی حزب توده در ایران است و بسیاری از سران حزب ندامت‌نامه خود را امضا می‌کنند و یا اعدام می‌شوند (ن.ک: ابراهامیان، ۲۰۰۳: ۲۱۱ و ۳۱۴-۳۰۸). در کنار این واقعه در داخل ایران، فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و رنگ باختن شعارهای کمونیستی در سطح جهانی صورت می‌گیرد.^۱

۱. این جنبش از سال ۱۹۸۵ با روی کار آمدن گورباچف شروع و با شکست کمونیست‌ها در لهستان (۱۹۸۹) ادامه می‌یابد و با برداشتن دیوار برلین و فروپاشی دولت‌های کمونیست در آلمان شرقی، چک و رومانی به دور تند می‌رسد. در سال ۱۹۹۱،

در چنین موقعیتی دیگر رمان ابراهیمی با تعریف و تبلیغ آرمان کمونیستی حزب توده خریداری ندارد. بنابراین، نویسنده بیشتر به تدوین تاریخ مبارزات عملیات چریکی گروه‌های چپ می‌پردازد که بعدها با تمسک به انقلاب کوبا و جنبش‌های ارنستو چه‌گوارا و فیدل کاسترو، به جنبش‌های چریکی کوهستانی معروف شد (ن.ک: جزنی، ۱۹۹۲: ۱۷۷-۱۴۶).

۴-۳-۲- تحلیل روابط قدرت احزاب سیاسی معاصر در رمان

گروه فدائیان خلق، بعد از جدایی جزنی از حزب توده، با ائتلاف گروه سیاهکل (جزنی) با احمدزاده در سال ۱۳۵۰ تشکیل می‌شود. اتحاد این دو گروه باعث شد زمانی که همه گروه‌ها یا در خواب بودند و یا کاملاً نابود شده بودند، شورش‌های پراکنده‌ای در دهه پنجاه برپا کنند. آن‌ها علاوه بر حزب توده با گروه‌های ملی‌گرا مخالف بوده و افکار و اعمالشان را نقد می‌کنند (ابراهامیان، ۱۳۷۷: ۶۰۰). فدائیان، مائوئیست‌ها را نیز قبول نداشتند و جنبش چریکی شهر و روستا را تر اصلی خود می‌دانستند. جزنی، خرده‌بورژواها از جمله برخی روحانیان را رقیب اصلی پیشاهنگ برای رهبری انقلاب می‌دانست. بنابراین عقیده داشت که باید با عمل و کوشش کاری کرد که دسته‌های پیشرو از گروه آنان پیروی و پیشاهنگی‌شان را تأیید کنند (خسروی، ۱۳۹۶: ۴۴). ابراهیمی از ابتدای جلد چهارم، قهرمان داستان را بنا بر تز رهبران فدائیان خلق، بازسازی می‌کند. زمان رویارویی آلنی با قلیچ بلغای، آلنی سعی می‌کند این شخصیت مذهبی را تحت کنترل خود در آورد (ن.ک: ابراهیمی، ۱۳۷۵، ج ۴: ۳۹) و تا آخر داستان، نواب صفوی (نایب صوفی) نیز که نماینده گروه فدائیان اسلام است، بر طبق تز بیژن جزنی شخصیتی خرده‌بورژوایی است که تحت هدایت پیشاهنگ عملیات چریکی، یعنی آلنی است. نواب از طریق قلیچ بلغای با آمان جان آبابی ارتباط دارد و تمامی مهمات را از پادگان خراسان می‌گیرد.

نویسنده، درحالی که کمونیست و یا چپ بودن شخصیت‌های چریک داستان را حفظ می‌کند، با سماجت سعی در دور کردن این افراد از وابستگی به حزب توده دارد و درست برعکس، کسانی را توده‌ای می‌داند که مانند پیشه‌وری وابستگی او به شوروی حتمی است و مدتی باعث جدایی گوشه‌ای

اسلوونی و کرواسی از یوگسلاوی جدا می‌شوند و روسیه و اوکراین اعلان استقلال می‌کنند و اتحاد جماهیر شوروی از هم می‌پاشد.

۱. برای شناخت بیشتر این شخصیت ن. ک: دبره، ۱۳۵۷: ۱۳۰-۹۸.

از ایران می‌شود. نویسنده به بزرگ‌نمایی وقایع مربوط به افرادی چون او می‌کند که باعث تجزیه ایران شده‌اند (ن.ک: ابراهیمی، ۱۳۷۵، ج ۵: ۲۶۸ و ج ۶: ۲۵).

نتیجه‌گیری

در این مقاله به تحلیل متن رمان *آتش بدون دود* براساس سه سطح نظریه تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف پرداخته شد تا نحوه تاریخ‌سازی نویسنده بررسی و تحلیل شود. در بخش توصیف می‌توان گفت که نویسنده با گرایش‌های سیاسی و اعتقادات حزبی، به گزینش اسامی، صفات و چینش آنان برای تلقین تفکر و منش سیاسی خود دست می‌زند. هم‌چنین با غیرسازی و نسبت دادن کنش‌های ضدمردمی و غیراخلاقی به گفتمان مخالف- که اکثراً در جایگاه مذهبی قرار می‌گیرند و یا اسامی و القاب دینی دارند- به برجسته کردن شخصیت‌های ضدمذهبی داستان می‌پردازد که تمامی کنش‌های این گروه غیرمذهبی برای آرامش و اعتلای طبقات پایین اجتماعی و زنان صورت می‌گیرد. تقابل اسامی، صفات و کنش‌های شخصیت‌ها در سه جلد اول به تقابل سه گروه سیاسی معاصر ایران در چهار جلد بعدی می‌انجامد که جنبش‌های چریکی چپ، سرآمد تمام جریان‌های سیاسی این دوره هستند و تمامی کنش‌های داستانی به این گروه اختصاص دارد.

در سطح تفسیر می‌توان به این مهم رسید که ابراهیمی با هدف ایجاد محبوبیت برای گروه چریکی داستان، تمامی قیام‌های جنگلی در دهه‌های سی تا پنجاه را به شخصیت اصلی داستان که فردی ضدمذهبی و آموزش‌دیده جنگ‌های پارتیزانی آمریکای لاتین است نسبت می‌دهد. او با معرفی قیام‌های معروف و آوردن اسامی تاریخی در کنار شخصیت‌های داستانی، این قیام‌ها را به دو دسته مذهبی و چپی تقسیم می‌کند. شخصیت‌های اسلام‌گرا در چپ‌نشی ماهرانه در داستان، با پشتیبانی گروه‌های چپ دست به عملیات می‌زنند. سیر کنش‌های آلنی به عنوان پیشاهنگ گروه‌های چپ‌گرا، به شخصیت‌های تاریخی چپ‌گرایی چون گلسرخ، جزنی، احمدزاده و اشرف نزدیک می‌شود.

نوع رابطه نویسنده با حکومت و حفظ اعتقادات شخصی و نوع انتقال آن در داستان مسئله اصلی در سطح تبیین است. وقایع داستان با باورهای ذهنی نویسنده گره می‌خورد و پیش می‌رود. در سه جلد اول تمامی وقایع به نفع شعارهای تند کمونیستی و حزبی پیش می‌رود و از جلد چهارم، نویسنده در پی اثبات نقش برجسته چپی‌ها در نزدیک کردن جامعه و افکار مردمی به جنبش عظیم مردمی در

سال پنجاه و هفت است. او با نگارش چهار جلد آخر، به سهم‌خواهی از تاریخ معاصر ایران می‌پردازد. گفتمان مورد تأیید ابراهیمی، تنها توده‌ای‌ها و چپ‌های مبارز دهه‌های بیست تا پنجاه نیست، بلکه یک اعتقاد جریان‌ساز ضد غربی و ضد مذهبی تاثیرگذار انقلابی است که بیشتر در آرمان‌های فداییان خلق تبلور می‌یابد. همان‌طور که آلتی نیز، یک شخصیت داستانی نیست؛ او یک جریان و یک قدرت مردمی است که به خواست نویسنده در چهار جلد آخر نمادی از یک «جریان مبارز چریکی چپ» است که تمامی اتفاقات سیاسی و اجتماعی دهه نزدیک به انقلاب را هدایت می‌کند.



کتابنامه

- آبراهامیان، ارواند. (۱۳۷۷). *ایران بین دو انقلاب*. ترجمه احمد گل محمدی. تهران: نشر نی.
- _____ (۲۰۰۳). *اعترافات شکنجه‌شدگان*. مترجم رضا شریفها. استکهلم: انتشارات باران
- ابراهیمی، نادر. (۱۳۷۵). *آتش بدون دود*. ۷ جلد. تهران: روزبهان.
- _____ (۱۳۷۲). *ابوالمشاغل*. تهران: روزبهان.
- احمدی، اصغر و دیگران. (۱۳۹۳). «تحلیل گفتمان سیاسی رمان _ تنگسیر "صادق چوبک"». *مطالعات فرهنگی و ارتباطات*. ش ۳۶. (۹۵ - ۱۲۹).
- اشرف، حمید. (۱۳۵۷). *جمع‌بنای سه ساله*. تهران: نگاه.
- بهبهانی، مرضیه و دیگران. (۱۳۹۲). «بررسی و تحلیل انتقادی گفتمان رمان سگ و زمستان بلند». *مطالعات داستانی*. ش ۴. (۲۲-۵).
- بی‌نام. (۲۰۱۵م = ۱۳۹۴). *جاودانه*: پرویز نیک‌خواه. لوس آنجلس: شرکت کتاب.
- پورنامداریان، تقی. (۱۳۷۴). *سفر در مه: تاملی در شعر احمدشاملو*. تهران: چشم و چراغ
- تفرشیان، ابوالحسن. (۱۳۶۷). *قیام افسران خراسان*. تهران: اطلس
- تهامی، طه. (۱۳۸۳). «اسوه فداکاری، شهید نواب صفوی». *مبلغان*. ش ۶۲ (۹ - ۲۳).
- جزنی، بیژن. (۱۹۹۲). *طرح جامعه‌شناسی و مبانی استراتژی جنبش انقلابی خلق ایران*. سوئد: کانون فرهنگی - سیاسی ایرانیان.
- جمعی از پژوهش‌گران. (۱۳۸۷). *حزب توده از شکل‌گیری تا فروپاشی (۱۳۲۰ - ۱۳۳۸)*. تهران: موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی.
- جوادی یگانه، محمدرضا و محمدعلی صحفی. (۱۳۹۲). «روایتی زنانه از جنگ: تحلیل گفتمان کتاب د». *نقد ادبی*. ش ۲۱. (۸۵ - ۱۱۰).
- حدادی، الهام. (۱۳۹۱). «کردار گفتمانی و اجتماعی در رمان مدار صفر درجه بر پایه الگوی تحلیل گفتمان فرکلاف». *نقد ادبی*. ش ۱۸. (۲۵ - ۴۹).
- حسینی سمنانی، سید حمید. (۱۳۸۳). «قیام مسلحانه علی پهلوی علیه پهلوی». *تاریخ، پانزده خرداد*. ش ۱. (۱۱۷ - ۱۳۶).
- خسروی، ابراهیم. (۱۳۹۶). «مشی مبارزه مسلحانه و مفهوم پیشاهنگ در آرا فدائیان خلق (با تاکید بر آرا بیژن جزنی)». *تاریخ پژوهی*. ش ۶۸. (۳۳ - ۵۶)

خطیبی، پرویز. (۱۹۹۴م. ۱۳۷۳). *خاطراتی از هنرمندمان*. به اهتمام فیروزه خطیبی. لوس آنجلس: بنیاد فرهنگی پرویز خطیبی.

رجایی، رحمت‌الله. (۱۳۹۲). *آتش هم‌چنان بدون دود است*. گرگان: پیک ریحان.

رضوانیان، قدسیه. حمیده نوری. (۱۳۸۸). «راوی در رمان آتش بدون دود». *متن‌شناسی ادب فارسی*. ش ۴. (۷۹-۹۴).

شاملو، احمد. (۱۳۶۳). *هوای تازه* (۱۳۲۶ تا ۱۳۳۵). تهران: نیل

شاهدی، مظفر. (۱۳۹۰). «پان‌ایرانیسم، پان‌ایرانیست‌ها و فرایند تشکیل حزب». *تاریخ معاصر ایران*. ش ۵۷ و ۵۸. (۵-۶۶).

شفایی، احمد. (۱۳۶۵). *قیام افسران خراسان و سی و هفت سال زندگی در شوروی*. تهران: کتاب سرا
علوی مقدم مهیار و سوسن پورشهرام. (۱۳۹۰). «نقد و تحلیل ساختار و عناصر داستانی آتش بدون دود». *بهار ادب*. ش ۳. (۲۵۵-۲۶۶)

فرکلاف، نورمن. (۱۳۷۹). *تحلیل انتقادی گفتمان*. مترجمان فاطمه شایسته‌پیران و دیگران. تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.

قاسم زاده، سیدعلی، مصطفی گرجی. (۱۳۹۰). «تحلیل گفتمان انتقادی رمان دکتر نون زنش را بیشتر از مصدق دوست داشت». *ادب پژوهی*. ش ۱۷. (۳۳-۶۳)

قبادی، حسینعلی و دیگران. (۱۳۸۸). «تحلیل گفتمان غالب در رمان سووشون سیمین دانشور». *نقد ادبی*. ش ۶. (۱۴۹-۱۸۳)

قبادی، حسینعلی و فردوس آفاگل زاده. (۱۳۹۰). «تحلیل گفتمانی جزیره سرگردانی و پیوند معنایی آن با دیگر رمان‌های سیمین دانشور». *ادب پژوهی*. ش ۱۵. (۳۵-۴۳).

قربانی جویباری، کلثوم. (۱۳۹۴). «بازنمود هویت زنانه در مجموعه داستان حتی وقتی می‌خندیم فریبا وفی با رویکرد تحلیل انتقادی گفتمان فرکلاف». *زیان و ادبیات فارسی*. ش ۷۹. (۲۱۹-۲۴۵).

کاموربخش‌ایش، جواد. (۱۳۸۵). «شهید بهمن حجت کاشانی از نگاه راویان خرم دره». *تاریخ پانزده خرداد*. ش ۵. (۱۹۲-۲۲۰).

گرجی، مصطفی. (۱۳۹۱). «بررسی و تحلیل گفتمان داستان سلول ۱۸ از علی اشرف درویشان». *پژوهش‌گاه علوم انسانی جهاد دانشگاهی*. ش ۱۸. (۳۲-۵۶)

گروه پژوهش بنیاد تاریخ پژوهی ایران. (۱۳۸۴). «شهیدی که در غبار تاریخ گم شد». *پانزده خرداد*. ش ۴. (۱۰۰-۱۶۵)

مهدی‌زاده سلطانیه، سمانه. (۱۳۸۷). «ماهیت چریک‌های فدایی». *زمانه*. ش ۷۱. (۴۲ - ۴۹)
میری، افسانه و دیگران. (۱۳۹۷). «مقایسه قدرت دو شخصیت محوری رمان آتش بدون دود (با استفاده از نظریه نابرابری قدرت در دیالوگ فرکلاف و مدل مایکل شورت)». *جستارهای زبانی*. دوره ۹. شماره ۵. (۱۴۷-۱۷۱)

نادری، محمود. (۱۳۸۶). *چریک‌های فدایی خالق*. تهران: موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی
نجاتی، غلامرضا. (۱۳۷۷). *تاریخ سیاسی بیست و پنج ساله ایران (از کودتا تا انقلاب)*. تهران: رسا
نهادندی، هوشنگ. (۲۰۰۹). *سه رویداد و سه دولتمرد*. آمریکا: شرکت کتاب

Fairclough, Norman, (2001). *Language and Power*. London: Longman.

